

پیشگفتار

هیچ فشاری نمی‌تواند هنر را از زندگی بشر حذف کند، مگر کیفیت پایین یک اثر هنری.

جوزف نورمن^۱

محتوای اصلی این کتاب، به فن آموزش هنر به کودکان اختصاص دارد. هنر به‌عنوان علمی بدون اصطلاحات حرفه‌ای و مهارت‌های منحصر به فردش، و با اساس آموزش و ثمرات بی‌نظیرش، موضوع اصلی این کتاب است. بسیاری از دانشجویان رشته‌های هنری، در طی تحصیل یا پس از آن، برای همیشه یا مدتی به تدریس هنر در مقاطع گوناگون می‌پردازند. این در حالی است که تقریباً تمامی واحدهای درسی مورد مطالعه در طی تحصیلشان، در جهت ارتقای تواناییهای علمی و عملی خود آنان بوده است، و نه هنرآموزی به دیگران. این کتاب، به قصد دادن بصیرت و تواناییهای لازم برای تدریس هنر در دوره دبستان، تدارک دیده شده است و هر چند مخاطب اصلی آن دانشجویان هستند، برای تمام کسانی که به نحوی در جریان مسائل تعلیم و تربیت قرار دارند نیز، قابل استفاده است، چرا که امتیاز اصلی آن، یعنی ساده‌نویسی در بیان مطالب، موجب می‌شود تا خوانندگان با هر سطحی از معلومات، از آن بهره‌مند گردند. کتاب، ضمن طرح کردن مشکلات واقعی آموزش هنر، پیشنهادها و راهکارهایی به معلمان ارائه داده است، همچنین والدین پس از مطالعه آن می‌توانند صاحب مهارتهایی در تربیت هنری فرزندانشان شوند.

هنر درسی است، از حیث مضمون و دشواری، هم‌تراز با سایر علوم؛ لیکن چون نتیجه عینی و آشکاری مانند آموزش خواندن و نوشتن نداشته است، مورد سطحی‌نگری واقع شده و بی‌برنامه رها شده است. در واقع بخشی از مشکلات نظری تربیت هنری در نظام آموزشی ما، متأثر از این تصور است که قلمرو فرعی هنر، فاقد اهمیت لازم برای تنظیم و تدوین برنامه‌ریزی هدف‌مندی است. نتیجه این دیدگاه در عمل این است که معلمان صرفاً براساس برداشتهای شخصی و بدون عنایت به اهداف تربیت هنری، اقدامات جسته و گریخته‌ای انجام می‌دهند.^۲ سهم اندک ساعتهای هنر^۳ یا بی‌برنامه‌گی و بطالت به هدر می‌رود و یا مدیر مدرسه، در صورت لزوم مقداری از وقت آن را برای جبران عقب‌ماندگیها و مطالعه دروس ریاضی، و علوم می‌گیرد و در نتیجه دانش‌آموزان از مجموعه وسیعی از تجارب آموزشیو خلاق، محروم می‌شوند. این کم‌توجهی و بی‌برنامه‌گی دستاویز رخوت و

۱. هنرمند معاصر امریکایی.

۲. مهر محمدی، محمود و امینی، محمد (۱۳۸۰)، ص ۲۲۶.

۳. میزان ساعت اختصاص داده شده به آموزش هنر در ایران، با فرض استفاده کامل از آن، باز هم در مقایسه با سایر کشورها وقت اندکی است. به‌عنوان مثال در کشوری چون ژاپن، میزان ساعتهای آموزش هنر، از زمان اختصاص یافته به دروسی چون علوم، تعلیمات اجتماعی، اخلاق و دینی بیشتر بوده، با اندکی تفاوت تقریباً معادل ساعتهای درس ریاضی است (امینی، محمد (۱۳۸۴)، ص ۹۹).

بیمارگونگی هنرهای تجسمی نسل پیشین بوده است؛ چنان‌که هنوز هم در برخی از مناطق، نقش مدرسه در شکل‌گیری فرهنگ هنری دانش‌آموزان بسیار رقت‌انگیز، و محدود به فعالیتهای عامیانه و تزئینی است، فعالیتهای تکراری و کلیشه‌ای مانند کپی از روی الگو، ساختن روزنامه‌های دیواری کریه و موزاییک با دانه‌های حبوبات و تزئین کلاس و راهروهای مدرسه، که هرچند ممکن است دستمایه‌ای از هنر داشته باشند، ماهیتاً نتیجه معکوسی دارند.

عدم توانایی در یافتن روشهای سیردهی، پیگیری و پیوستگی مطالب، معضل بزرگی به‌خصوص برای معلمان تازه‌کار است، که با توجه به وسعت شاخه‌های هنری، وظیفه پرمسئولیتی است.

انتظار نمی‌رود که معلمان با ابزارهای ناقص به اهداف درخشان نائل شوند، هرچند گاهی تصادفاً از عهده آن برآمده‌اند، هر معلم حق دارد که ابزارها و برنامه‌های کارآمدی در اختیار داشته باشد و از حرفه‌اش لذت ببرد، بدون آنکه مجبور شود نکاتی را که در آغاز او را به این حرفه جلب کرده بودند، قربانی کند. از طرف دیگر کودکان دوره ابتدایی هم حق دارند مثل سایر دروس، از برنامه هنری براساس اصول واقعی و آزمایش شده و نه براساس شانس و دستورات سهل، آسان و بی‌هدف، بهره‌مند شوند.

هدف این کتاب، ارائه یک فرمول قطعی برای آموزش هنر در دوره ابتدایی نبوده است، چرا که تفاوت‌های فردی و فرهنگی مانع این کار است. نگارنده قصد دارد که یک چهارچوب کلی از درسمایه‌هایی ماحصل تجربه، زیبا و مناسب هر پایه تحصیلی ارائه دهد، به طوری که مطالب درسی پایه بالاتر، تجربه‌ها و فعالیتهای یادگیری پایه پایین‌تر را وسعت و عمق بخشد و در نهایت به آموزش هنر کودکان، اعتبار، تداوم و سازمان دهد. گزینش درسمایه‌ها، ضمن محدود نبودن به فرهنگ خاصی، و به رغم بهره‌گیری از منابع خارجی، از استعداد تقرب و توجه به هنرهای بومی (ایرانی و اسلامی) برخوردار است.

همچنین نگارنده قصد دارد که برای برخی از آموزش‌دهندگان که خود آموزش ندیده‌اند نیز، تولید تفکر کند و در مهارت و ذهنیت آنان تحول بیافریند تا با رسیدن به حیطه خردمندی و الگوهای فهم، خود مصدر تولید درسمایه‌های آموزشی شوند.

مری مجاز است که با استفاده از قوه ابتکار خود و مطابق موقعیتو توانمندیها و امکانات آموزشی و متناسب با علایق و سلیقه یادگیرندگان درمدارس عشایری تا شهری، در درسمایه‌های ارائه شده در این کتاب، دسته انتخاب و یا دخل و تصرف بزند، به شرطی که ماهیت رو به تکامل یک مبحث از خلال برنامه‌های به ظاهر متفاوت پیش رود. لزومی ندارد معلمان تمام‌دروس مطرح شده در راهنمای طرح درس را آموزش دهند، همچنین لازم نیست از تمامی وسیله‌ها در این راه استفاده کنند، یک دسته از برنامه‌ها با زمانکافی، برای دانش‌آموزان که بتوانند روی آن بیشتر کار، فکر و بحث کنند از آن لذت ببرند، آنان را به سوی علاقه‌ای مادام‌العمر به هنرهای تجسمی‌هنمون می‌کند. از آنجا که در شروع هر فصل، مقدمه‌ای جهت راهنمایی برای استفاده از همان فصل در نظر گرفته شده، که به معرفی اجمالی مباحث ذیل آن می‌پردازد، مرور سریع و گذرا بر مباحث کل کتاب، در این قسمت ضرورت ندارد. کتاب به دو فصل عمده مفاهیم نظری در فصل اول، و عملی در فصل دوم، تفکیک شده است و حجم عمده آن به کارگاههای کلیه دروس در فصل دوم اختصاص دارد، که در راستای برنامه آموزش هنر در مدارس ایران (نقاشی، خوشنویسی و کاردستی) به طور مفصل به نقاشی،

مجسمه‌سازی و کاردستی و مختصری آشنایی با گرافیک، هنرهای تزئینی، خوشنویسی، عکاسی، صنایع دستی، معماری و طراحی صنعتی پرداخته شده است. از آنجا که محدود کردن حوزه هنرهای تجسمی و یا عدم توجه به هنرهای نمایشی تلقی موجهی نیست، نگارنده ضمن دعوت به عنایت به هنرهای نمایشی در زیر چتر هنری مدارس و اختصاص دادن بخشی از ساعات موسوم به پرورشی به آن، به دلیل حجم زیاد مطالب این کتاب، ارائه مطالب مباحث فوق را به بزرگان این فن واگذار کرده است.

در اینجا از دانشجویان و شاگردان کلاسهایم که ماحصل تلاشهایشان را در دسترس خوانندگان این کتاب، گذاشته‌اند، قدردانی می‌کنم. از دکتر محمد کامیار به دلیل نگارش بحث خوشنویسی، از پدر و مادر عزیزم به دلیل پاشیدن بذر عشق و هنر در وجودم، و نیز از مساعدت مسئولان محترم سازمان «سمت»، به‌ویژه استاد فرزانه، جناب آقای براهیمی، کمال سپاسگزاری را دارم. در خاتمه نگارنده امید آن دارد که مطالب حقیر بتواند سهمی ناچیز در ارتقای کیفیت آموزش هنر نسل آینده این مملکت داشته باشد تا با داشتن این دورنمای روح‌نواز در ذهن، به بهترین پادشاهای معنوی خویش دست یابد.

هلن دالوندی

پاییز ۱۳۸۸